

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
عماد ^{۱۰}	فقیہ عماد الدین	۳۴۳ھ	کرمان	خراسان	شاه شجاع والی فارس
عمادی ^{۱۱}	میر عماد الدین	سے	سے	عراق عجم	سلطان ظفر سلجوقی والی خوارزم
عمر ^{۱۲}	حکیم عمر خیام	۳۵۱ھ	نیشاپور	خراسان	جلال الدین سنجر سلجوقی والی خوارزم
عمیق ^{۱۳}	شہاب الدین	۳۵۲ھ	بخارا	"	"
عمید ^{۱۴}	عمید الدین	۳۶۹ھ	دیلم	گیلان	سلطان محمد بن مانزو املتان
عمید ^{۱۵}	خواجہ عمید عطار کتاب	۳۲۹ھ	سے	عراق عجم	سلطان ابراہیم والی غزنی
عنصری ^{۱۶}	حکیم ابوالقاسم حسن	۳۲۳ھ	بلخ	خراسان	سلطان محمود غزنوی والی غزنی

۱۰ فقیہ عماد الدین از دانشمندان کامل بود در تصوف صاحب سلسلہ است اشعار خوب از وی

ضبط کرده اند در شیراز مدفون شد ۱۲

۱۱ میر عماد الدین از پهلوانان معرکہ نصاحت است مداح عماد الدولہ دیلمی است عمادی را غزنوی نیز

گفته اند و بعضی اورا پسر فخری گفته با عمادی شہر یاری یکے دستہ اند، واللہ اعلم ۱۲

۱۲ حکیم عمر خیام، خیمہ میر وخت ازین و بنجام ملقب شد فنون متداولہ علیہ الکتاب نمونہ

جلال الدین سنجر سلجوقی اورا بغایت محترم میداشت رباعیات او مشہور و مقبول طابع است صاحب مجمع نفیسا

تخلص او خیام خواندہ است ۱۲

۱۳ استاد شہاب الدین جمیع سخنوران بابتادی او اقرار داشته اند سومی شیدی سمرقندی کہ با حق معارضہ کرده

۱۴ عمید الدین از اعظم فضلا بود، اشعارش اکثر مصنوع است مسعود سعد سلیمان مرثیہ و گفته است

۱۵ حکیم ابوالقاسم حسن ملک الشعراء عهد محمود غزنوی است بر چہار صد شاعر کہ ہر یک گایزدمان بود

سروری نمود و یکی بر ہتادی کے اعتراف داشتند، گویند شبے ہزار بیت شعر گفته، شنوی و امق و عذرا

از دست در غزنی مدفون است ۱۲

شخص	نام	سند و قضا	وطن	ملک	عهد
عنوان	محمد رضا حلیمی		تبریز	عراق عجم	
عمدی	قاضی عبدالرزاق			خراسان	جلال الدین اکبر شاه والی هند
پیشانی	قاضی مسیح الدین	۱۱۵۴	ساوه	عراق عجم	سلطان یعقوب تکمان الی آذربایجان
عیسی	سیریس		یزد	"	شاه طهماسب صفوی الی ایران
عین القضاة	ابو الفضائل عبدالقادر	۱۱۳۳	بهران	"	جلال الدین بنجر سلجوقی والی خوارزم

یابغ

غافل	محمد تقی		طائفان	شاه عباس ثانی والی ایران	
غافل	ملک حمزه خاں		سیستان	خراسان	
غالب	میر اسد الله خاں	۱۲۸۵	دهلی	هندستان	ابو ظفر بهادر شاه
غردری	میر برهان		کاشان	عراق عجم	جلال الدین اکبر والی هند

۱۱ محمد رضا حلیمی معاصر سیرز طاہر نصیر آبادی است ۱۲

۱۱ قاضی عبدالرزاق با قاضی نور الله شوشتری مصاحب ہمدان بود در شعر صاحب دیوان است ۱۲

۱۱ قاضی مسیح الدین از فضلاء عالی مرتبہ بود اشعار بافرہ دارد کہ بے تامل و فکر و مقولہ گفتگو

بر زبانش عاری میشد و این کمال مرتبہ صفائی طبع است ۱۲

۱۱ ابو الفضائل عبدالقادر از اقران حسین بن منصور حلاج است بابا طاہر عریان صحبت دہشتہ

جامع جمع فضائل و علوم بود ۱۲

۱۱ میر برهان در ہند فوت شد ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عمد
غزوری	منا غزوری		شیراز	فارس	شاه عباس ماضی الی ایران
غریب	شاه غریب میرزا		هرات	خراسان	سلطان حسین میرزا والی خراسان
غزالی	میراسلام		"	"	میرانعم بیگ گورگانی والی سمرقند
غزالی	مولانا غزالی	۹۸۰	مشهد	"	جلال الدین اکبر والی هند
غضنفری	ابو یزید محمد	۲۲۶	کلبه	عراق عجم	سلطان محمود غزنوی والی غزنی
غضنفری	مولانا غضنفر		گلپار	"	سلطان حسین میرزا والی خراسان

۱ شاه شاه غریب میرزا، از اولاد سلطان حسین میرزا والی خراسان، در اثنای نظم و شعر عدیل ندهشتمه ۱۲
 ۲ میراسلام، از موزدان آن یار و شاگرد حیدر کلچر پزست، بهند آمده با مولانا غزالی مشهوری
 بتقریب تخلص شاعرات کرد، ظرفیت و شیخ طبع بود ۱۲

۳ مولانا غزالی ملک الشعراء، از مشاهیر شعرای زمان طهماسب صفوی بود، کلیاتش بنفاد و نثر است
 و مثنویات متعدد دارد از جمله مثنوی رشحات حیات و اسرار المکتوبات و نقش بدیع است با شیخ فیضی
 صحبت داشت در سبب حال بد کن افتاد اما در آنجا کارش رونق نگرفت، بعد مقتول شدن خان زمان خان
 رو باستانه اکبری آورد و بخطاب ملک الشعراء سرفراز گردید، در گجرات فوت شد ۱۲

۴ ابو یزید محمد، از اعظم شعراء اکابر بلخاست، بخدمت سلطان محمود غزنوی آمده گوی شهرت
 از شعرای پای تخت در بود ۱۲

۵ مولانا غضنفر، از مشاهیر فضلا و معارف بلخاست گلپار، قریه ایست از قم، غضنفری اکثر
 اوقات در کاشان بسر برد ۱۲

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
غنی ۱۰	غنی بیگ		همدان	عراق عجم	جلال الدین اکبر والی هند
غنی ۱۱	میر عبد الغنی		تفرش	"	"
غنی ۱۲	محمد طاہر	۱۰۴۹ھ	کشمیر	ہندستان	صاحبقران ثانی شاہجہاں والی ہند
غنی ۱۳	محمد اکرم	۱۱۱۱ھ	کنجاہ	"	اوزنگ نوب عالمگیر والی ہند
غواصی ۱۴	مولانا غوصی	۱۱۱۱ھ	یزد	عراق عجم	شاہ طہماسپ صفوی الی ایران
غیاث ۱۵	غیاث الدین منصور	۹۲۸ھ	شیراز	فارس	سلطان حسین میرزا والی خراسان
غیرتی ۱۶	ملا غیرتی		"	"	جلال الدین اکبر والی ہند

۱۰ غنی بیگ بسیار عالی طبع بود بہند آمدہ مدتہا بسر کردہ ۱۲

۱۱ میر عبد الغنی از سادات جلیل القدر تفرش است از اعمال قم ۱۲

۱۲ محمد طاہر از مردم کشمیر بود، صحبت میرزا صاحب ابوطالب کلیم و حاجی محمد جان قدسی دریافتہ، دستی زبان روانی الفاظ لطافت معانی او مقبول بہ بود از خطہ کشمیر مثل او کسے برنخواست، دیوانش قریب دو ہزار بیت است ۱۲

۱۳ محمد اکرم، از مردم لاہور بود، ثنوی قصہ عزیز و شاہد بافرہ گفتہ ۱۲

۱۴ مولانا غوصی، قصائد در مدح ائمہ یکصد ہزار بیت گفتہ ۱۲

۱۵ غیاث الدین منصور حلوانی پسر میرزا صد الدین شیرازی است کہ صاحب حاشی تجرید و عرفیہ و مقابل علامہ دوانی بود، شاگرد نظام دست غیب است، در اوسط حال از شیراز باصنہان آمدہ از مؤذنان آنجا محبت بسیار دیدہ در آنجا متوطن شد، شبے از بام افتاد و جہاں بحق سپرد ۱۲

۱۶ ملا غیرتی، در شاعری پہلوان بودہ ۱۲

تخلص	نام	سند و قبا	وطن	ملک	عمد
غیور	میرزا حسن غیور	.	کرمان	خراسان	.

باب فا

فاح	میرزا رضی	.	رشت	گیلان	فرخ سیر و والی هند
فاخر	ملافاخر	.	بهبهان	فارس	شاه سلیمان صفوی والی ایران
فارغی	شیخ ابوالوحد	۹۲۴ هـ	هرات	خراسان	سلطان حسین میرزا والی هرات و همایون پادشاه والی هند
فارغی	امیر فارغی	۱۱۱۰ هـ	شیراز	فارس	جلال الدین اکبر والی هند
فارغی	.	.	هرات	خراسان	.
فاح	چلی بیگ	.	تبریز	عراق عجم	.

۱- میرزا حسن در مقدمات علمیه شعر هاتش بح کمال بود، شعرش کمال رتبه چاشنی دارد،

مثنوی خوبی در بحر مثنوی مولوی معنوی گفته، در کرمان فوت شد ۱۲

۲- میرزا رضی در ایام انقلاب ایران بهند آمد، دیوانش قریب به چهار هزار بیت میرسد، مشتمل بر

حقائق و معارف، درویش صاحب حال معنی آگاه بود، در میانه قصبه سرویج و بلده آجین از دست

قطاع الطرق شربت شهادت چشید ۱۲

۳- ملافاخر بصفات حمیده متصف بود، در خدمت زمان خان حاکم گیلویه بسری کرد ۱۲

۴- شیخ ابوالوحد از شعرای حلیل القدر است، مدت در بند بود، بخدمت همایون و اکبر شاه ندم معاصر مولوی جامی

۵- چلی بیگ مشهور به علامه تبریزی، در شیراز تحصیل علوم نمود، از شاگردان فاضل میرزا جان است ۱۲

تخلص	نام	سند و قفا	وطن	ملک	عمد
فاضل	ملا فاضل	.	کاشان	عراق عجم	سلطان حسین میرزا والی خراسان
فانی	میر علی شیر نظام	۹۰۶ هـ	هرات	خراسان	صاحبقران ثانی شاهجهان الی هند
فانی	شیخ محمد حسن	۱۰۸۰ هـ	کشمیر	هندستان	شاهجهان الی هند
فانض	ملا محمد نصیر	۱۱۳۲ هـ	اُهر	عراق عجم	شاهجهان الی هند
فانض	میرزا محمد فاضل	۱۰۳۶ هـ	نطنز	ر	نورالدین جهانگیر شاه والی هند
فانض	میرزا باقر	۱۱۲۸ هـ	مازندران	طبرستان	شاه سلیمان صفوی والی ایران

۱۰ ملا فاضل، نواده میر شایسته آمد در دیشی بود، شعرش از صد هزار بیت متجاوزست ۱۲

۱۱ میر علی شیر نظام الدین، بسه زبان شعر میفرمود و عربی فارسی و ترکی، تخلص و در ترکی نوالی بود و در فارسی فانیست؛ از فضائل علوم بهره وافی داشت و وزیر سلطان حسین میرزا بود، در خدمت مولوی جامی ارادت تمام داشت، انوار رحمت ماده تاریخ فوت او دست ۱۲

۱۲ میرزا حسن، شاعر و ملا یعقوب کشمیری و استاد ملاطاف غنی و حاجی محمد اسلم سالم کشمیری است؛ از فضیلت کشمیر بود، دیوانش قریب چهار بیت است ۱۲

۱۳ ملا محمد نصیر، از ارشد تلامذه میرزا اصحاب است، تخلص هم از ویافت، در نحو بی از استادان گویاست می ربود، وقتیکه محمود خان افغان صفهان را محاصره کرد باطل طبیعی فوت شد ۱۲

۱۴ میرزا محمد فاضل، بلازمت صاحبقران ثانی سرفراز بود، خطوط خوب می نوشت در کجرات فوت کرد ۱۲

۱۵ کردند رقم که شد بر حمت و اهل، ماده تاریخ وفات او دست ۱۲

۱۶ میرزا باقر، از کهنه شاعران بود؛ قبیح اطوار میرزا اصحاب میکرد؛ شعرش همواره خالی از مسامت نبود، غیر از غزل چیزی نیگفت، در بلده بار فروشش مازندران رحلت کرد ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عمد
فائق	محمد امین	.	اصفهان	عراق عجم	
فائق	سید محمد	سنة ۱۰۱۰	ہرات	خراسان	اوزنگ نیک عالمگیر والی ہند
فتح	شاہ فتح اللہ	سنة ۹۹۶	شیراز	فارس	جلال الدین اکبر والی ہند
فتح	ملا فتح اللہ	سنة ۱۰۲۶	اصفهان	عراق عجم	نور الدین جہانگیر والی ہند
فتحی	ملا فتحی	سنة ۱۰۲۵	اردستان	..	سام میر اصفوی والی ایران
فتوحی	حکیم اشیر الدین	.	مرو	خراسان	سلطان سنجر سلجوقی والی خوارزم
فتوری	میرزا نوری	.	ہرات	..	
فخری	شمس الدین	سلطان حسین میرزا والی خراسان
فخر	فخر الدین محمود	.	نیشاپور	..	سلطان سنجر سلجوقی والی خوارزم
فخر	فخر الدین اسعد	.	جرجان	طبرستان	سلطان طغرل سلجوقی والی خوارزم

۱۰ شاہ فتح اللہ، در علم حکمت دستگاہ عالی داشت، ہند آمدہ در گذشت ۱۲

۱۱ حکیم اشیر الدین، محمد عوفی گوید کہ مشاعر و مناظرات سے با انوری مشہورست ۱۲

۱۳ میرزا نوری مدتاً در ہرات شیخ الاسلام بود، در کمال زہد و پرہیزگاری عمر گزاریدہ

در ہرات فوت شد ۱۲

۱۴ فخر الدین محمود، مستجمع جمیع کمالات بود، تصانیف عالیہ در بعضی علوم از وہابی است

در خدمت بہرام شاہ غزنوی کمال حرمت داشت ۱۲

۱۵ فخر الدین اسعد، از قدمائے شعراست، مثنوی ویس و رامین از ویادگار است

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
فخری	شمس الدین	.	اصفهان	عراق عجم	
فدائی ^{بله}	شیخ فدائی	۹۷۷ھ	شیراز	فارس	شاه طہاسپی صفوی الی ایران
فدائی	محمود بیگ	.	طهران	عراق عجم	
فرح ^{بله}	فرح اللہ	۱۱۰۰ھ	شوشتر	فارس	عبد اللہ قطب شاہ الی دکن
فرخی ^{بله}	استاد ابوالحسن علی	۱۲۲۹ھ	سیتان	خراسان	سلطان محمود غزنوی الی غزنی
فردوسی ^{بله}	حکیم ابوالقاسم	۱۲۱۶ھ	طوس	"	"
فرشته	محمد قاسم ہند شاہ	.	استرآباد	طبرستان	ابراہیم عادل شاہ والی دکن

۱۱۔ شیخ فدائی، خلف الصدق شیخ شمس الدین محمد لاجپی شاج گلشن راز محمود شہسروی است،

لہذا اور شیخ زادہ می خوانند، از محققان زمان خود بود ۱۲

۱۲۔ فرح اللہ، از افضل زمان است مہتا در ہند بودہ دیوان و قریب ہفت ہزار بیت میرسد

۱۳۔ استاد ابوالحسن علی، گویند کہ او شاگرد حکیم عنصری است، بخدمت سلطان محمود غزنوی

آمدہ ملازم گردید و اعزاز یافت، دولت شاہ اورا ترندی، و محمد عوفی سکزی گفتہ است ۱۴

۱۵۔ حکیم ابوالقاسم، شیخ نظامی بشاگردی و بندگی او اقرار کردہ، پدرش

باغبان چار باغ موسوم بہ فردوس بود، بعد از انکہ بمقتضای فطرت ایی بگفتن اشعار مباد

نمود فردوسی تخلص کرد، در طوس مدفون شدہ، شاہنامہ او کہ بفرمایش سلطان محمود نوشتہ

مشہور آفاق است ۱۶

تخلص	نام	سند و قضا	وطن	ملک	عهد
فرقتی شاه	ابوتراب بیگ	۱۰۲۶ هـ	کاشان	عراق عجم	شاه عباس ماضی الی ایران
فروغ	میرزا محمد علی	.	.	.	نادر شاه قهرمان ایران
فروغی	ملاحسن	۱۰۴۰ هـ	کشمیر	هندستان	شاه جهان والی هند
فرید	فریدالدین احول	.	اصفهان	عراق عجم	آتابک سعد بن زنگی الی فارس
فریده	فریدالدین کاتب	.	جهرم	خراسان	سلطان سنجر سلجوقی الی خوارزم
فصیح	محمود بیگ	.	تبریز	عراق عجم	جلال الدین اکبر والی هند
فصیحی	میر فصیحی	۱۰۳۱ هـ	بهرات	خراسان	شاه عباس ماضی والی ایران

۱- ابوتراب بیگ، از اهالی انجمن است. نام در کاشان نشو و نما یافته، اول کامی تخلص میکرد.

آفرفتنی قرارداد، دیوان یک هزار بیت وارد ۱۲

۲- میرزا محمد علی، تولدش در سنه یک هزار و صد و چهل و پنج هجری است. اشعار خوب از آن حمیره خیال سروده ۱۲

۳- ملاحسن، چون صاحبقران ثانی شاه جهان به کشمیر آمد فردغی دو مثنوی زاده طبع خود بعضی سانسید

پس از آقا، و هزار روپیه صلہ یافت ۱۲

۴- فریدالدین احول، از شعرائ فصیح و بیخ بود، خواجگان نامی را خدمت کرده است و با مجرب خصوصیت داشت ۱۲

۵- فریدالدین کاتب، از شعرائ مای بلغای دوران بود، محمد عوفی گوید که در بخارا بخدمت و سیه رسیده ۱۲

۶- محمود بیگ، مجموعه کلمات صوری و معنوی بود، در سخنوری یگان آفاق، و در علم سیاق و حساب

و تاریخ طاق، بهند آمده ملازم اکبر شاه و جهانگیر شاه بعزت تمام بود ۱۲

۷- میر فصیحی، از سخنوران فصیح بیان است، میان او و حکیم شافعی مشاعر است و

مهاجرات بود ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عهد
فصیحی	میر فصیحی	.	تبریز	عراق عجم	شاه طهماسب صفی والی ایران
فصلی	حکیم فصلی	.	هراتقان	"	امام قلی خان الی شیراز
فصلی	ملا فصلی	۹۸۶ هـ	بغداد	عراق عرب	شاه طهماسب صفی والی ایران
فطرت	میر معزالدین	۱۱۰۱ هـ	قم	عراق عجم	اوزنگ زیب عالمگیر والی هند
فغانی	بابا فغانی	۹۲۵ هـ	شیراز	فارس	شاه اسماعیل صفی والی ایران
نغفور	حکیم محمد حسین	۱۰۳۰ هـ	لاہجان	طبرستان	نورالدین جهانگیر والی هند

ملا فصلی از شعرای مشهور زبان است، در عربی و فارسی و ترکی صاحب نگاه بود هر سه زبان

اشعار آرد در حدود ۱۲۰

میر معزالدین مخاطب بپوشی خان از اعظم سادات موسوی قم است در صنفان تحصیل علوم پرداخت بدرج فضل و کمال رسید از پیشگاه اوزنگ زیب به خطاب خانی و دیوانی دکن سر فرار گردید میر

فطرت تخلص میکرد بعد از آن موسوی اختیار کرد، وفاتش در سرزمین دکن روداد ۱۲

بابا فغانی مجتهد فن سخنوری است، پیش از وی احدی بدین روش شعر نگفته پایه سخنوری

را بجای رسانید که اکثر استادان مثل وحشی زودی، نظیری نیشاپوری، ضمیری اصفهانی، حسین ثنائی،

عرفی شیرازی، صفائی اصفهانی، حکیم رکناسیح کاشی و محتشم کاشی و غیره مقلد و شاگرد و

خوشه من خرم طرز اویند، صاحب دیوان است قصاید صاف دارد اما بغزل سرائی نائل است ۱۲

حکیم محمد حسین در اوایل حال در ایران ستمی تخلص میکرد بعد از آنکه بهند آمده ملازمت

سلطان پرویز ابن جهانگیر شاه اختیار نمود نغفور تخلص کرد ۱۲

تخلص	نام	سند و قافیه	وطن	ملک	عهد
فقیر	میر شمس الدین	۱۱۸۳	دهلی	هندوستان	محمد شاه والی هند
فکاری	قاضی احمد	.	اسفراین	خراسان	شاه طهماسب ماضی والی ایران
فکری	سید محمد	۹۴۳	مشهد	"	جلال الدین اکبر والی هند
فکری	سید محمد رضا	۱۰۲۲	اصفهان	عراق عجم	شاه عباس ماضی والی ایران
فکریت	غیاث الدین منصور	.	.	.	اوزنگ نسیب عالمگیر والی هند
فکلی	استاد نجم الدین محمود	۱۰۵۷	شروان	آذربایجان	سلطان منوچهر شروانشاه الی شروان

۱۰ میر شمس الدین ولدانش در شاهجهان آباد در سنه هزار و یکصد و پانزده وی داد از اعیان آن ملکه فخره

دیوانش بیفت هزاری بیت میرسد، دو مثنوی در سلک نظم کشیده ۱۲

۱۱ قاضی احمد از فضیلت مشهور اسفراین است در کتب فقهی حاضر جوابی گمانه بود ۱۲

۱۰ سید محمد طغی جامه باف و مشهور به میر رباعی از شعرای مقرر روزگار بود در زمان اکبر شاه

بهند آمد و در مدح وی اشعار گفت که گفتا خرد که میر رباعی سفر نمود، ماده تاریخ فوت اوست ۱۲

۱۰ سید محمد رضا، ذوق شاعری بسیار داشته، بدکن آمد، در علم سباق صاحب قوف بود

معاصر صفائی اصفهانی است ۱۲

۱۰ میر غیاث الدین منصور، بهند آمد دیوانه ترتیب ۱۲

۱۰ استاد نجم الدین محمود مومن با حکیم خاقانی در خدمت ابوالعلاء گنجوی تحصیل

مراتب نظم نموده مشهور آفاق بود، در شامی که مولد اوست مدفون شد ۱۲

تخلص	نام	سند و فائز	وطن	ملک	عهد
فنائی	میر کمال الدین حسن	.	هرات	خراسان	سلطان حسین میرزا والی خراسان
فوقی	ملا مقسیم	.	نیشاپور	..	شاه جهان والی هند
فوقی	ملا فوقی	.	یزد	عراق عجم	.
فهمی	ملا فهمی	سکنه	کاشان	..	شاه عباس ماضی والی ایران
فهمی	حکیم محمد الدین	.	بخارا	خراسان	.
فیاض	عبدالرزاق	.	لاهبجان	طبرستان	عباس ثانی والی ایران

سه میر کمال الدین حسن در سخوری یگانه و بهر مندی افسانه بود ۱۲
سه ملا مقسیم، پسر ملا تقی، برادر نظیری نیشاپوری است، در وطن خود

وفات یافت ۱۲

سه ملا فهمی صاحب دیوان است، و تثنی یزدی را بجزر یک گفته، با حاتم کاشی دیگر معاصرین

هماجات و مشاعرات بسیار نمود ۱۲

سه عبدالرزاق، از افاضل عصر و اعظم دهر است، مشهور به قمی است، شاگرد مولانا

صدرالدین ابوسعید شیرازی و همنگ ملا حسن کاشی است، جامع علوم عقلیه و نقلیه بود،

کتاب گوهر مراد و شرحی در فارسی بر خصوص شیخ ابن عربی از دست دیوانش نماند

دوازده هزار بیت است ۱۲

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عمد
فیضی	ابوالفیض	سنه ۱۱۰۰	آگره	هندستان	جلال الدین اکبر والی ہند

باق

قآنی	.	سنه ۱۲۶۰	.	.	ناصر الدین شاہ قاجار والی ایران
قاسم	ملا محمد قاسم	سنه ۹۸۷	اردستان	عراق عجم	.
قاسم	محمد قاسم دیوانہ	سنه ۱۰۶۰	مشهد	خراسان	شاہجہاں والی ہند

ابوالفیض پیر شیخ مبارک و از اولاد شیخ احمد ناگوری است صاحب تصانیف عدید بود از ان جمله تفسیر سواطع الالہام کہ بہ صنعت اہمال تمامی قرآن مجید را تفسیر کرده کہ بر غزارت علم او بر بان ساطع تواند بود، صاحب تذکرہ مجمع لغویان نوشتہ کہ "مسموع افتادہ کہ شیخ فیضی نیمہ قرآن مجید را بے نقط تفسیر کردہ، کلفتی بے حاصل کشیدہ،" عجب از مولف تذکرہ کہ چہ قدر راہ تعصب رفتہ است و خون انصاف برگردن گرفتہ و عجب تر آنکہ چنین تفسیر را کہ از عجائب روزگار است یک نظر ندیدہ و خبر نگرفتہ کہ تمام قرآن مجید را تفسیر کردہ است یا نیمہ آن را، شیخ فیضی دیوان قصائد و نزل و مثنویات دارد، خاصہ مثنوی نلدمن، گلدرستہ ریاضین فصاحت است ۱۲

۱۱ ملا محمد قاسم، معاصر تقی اودھی است ۱۲

۱۱ ملا محمد قاسم دیوانہ، در اوائل عمر مدتها در اصفهان تحصیل علوم مشغول بود از ان جا ہندوستان آمد باضافہ دیوانہ مشہور شد، دیوانش متداول است، شاگرد میرزا صاحب بود ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عمد
قاسم	سید معین الدین	۸۳۴	تبریز	عراق عجم	شاهرخ میرزا والی بهرات
قاسم	نواب قاسم خاں	۸۲۲	جوئن	خراسان	جہانگیر والی ہند
قاسمی	میرزا قاسم	.	گونا باد	"	شاہ اسماعیل صفوی الی ایران
قاسم	ملک قاسم	.	قرظین	عراق عجم	.
قاسم	مولانا قاسم	.	دیلیم	"	.
قاسم	قاسم خاں	.	.	.	جہانگیر شاہ والی ہند
قاسمی	شیخ ابوالقاسم	.	گادرون	فارس	.

۱۔ سید معین الدین قاسم الوار، مرید شیخ صدر الدین خلف شیخ صفی الدین اردبیلی است از شیخ خود قاسم الوار لقب یافته، بہ صحبت سید نعمت اللہ کرمانی رسیدہ، چہار بار پیادہ حج کرد، مدتی در بہرات سکونت داشت، از اصحاب شاہرخ مرزا توہم نموده بسم قدرفت از مرزا انفع بیگ تطفہا دید، در جام متوقف گردید و بہا نجافوت شد ۱۲

۲۔ میرزا قاسم جامع کلمات صوری و معنوی بود، در ریاضت تمام کشیدہ سر آمد سرداران این علم گردید، تتبع خمسہ شیخ نظامی کردہ بہت، شاہنامہ اش کہ فتوحات شاہ اسماعیل نظم نموده است بہتر از سایر مثنویات است ۱۴

۳۔ مولانا قاسم در طبابت مہارت خوب داشت بہند آمدہ بہ تہادان بسر برد، و عظم از توجہ و توجہ سنیان ۱۵
 ۴۔ قاسم خاں ہمدان جہانگیر شاہ بہت، محمد طاہر نصیر آبادی احوال او در تذکرہ خود مفصل نوشتہ بہت ۱۲

۵۔ شیخ ابوالقاسم، از شیخ زادگان گادرون شاگردان میرزا جان شیرازی است ۱۲

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
قاضی	شمس الدین عبدالشکر	.	قرزین	عراق عجم	سلطان حسین میرزا والی بهرات
قاضی	قاضی سنجان	.	سنجان	خراسان والی خراسان
قانع	آقا سیب	.	کاشان	عراق عجم	شاه سلیمان صفوی الی ایران
قبول	میرزا عبدالغنی بیگ	۱۱۳۹ هـ	کشمیر	هندستان	فرخ سیر والی هند
قدری	ملا قدری	۹۸۹ هـ	شیراز	فارس	جلال الدین اکبر والی هند
قدسی	میر حسین کر بلانی	.	بهرات	خراسان	..
قدسی	حاجی محمد جان	۱۰۵۴ هـ	مشهد	..	شاه جهان والی هند
قدسی	حکیم مصطفیٰ	.	گیلان	طبرستان	شاه عباس ثانی صفوی الی ایران

سنة قاضی سنجان از اولاد شاه سنجان است، مثنوی منظر الابصار از منظومات اوست که

در تبع مخزن اسرار بنام میر علی شیر گفته ۱۲

سنة میرزا عبدالغنی بیگ در فن شعر از میرزا داراب جو یا تربیت یافته است؛ در زمان محمد فرخ میر

بادشاه بدلی آمده معروف امرای عظام شد؛ در اوائل جلوس شاه عالم پناه درگذشت ۱۲

سنة ملا قدری با عتی و قیدی و غیرتی و طحی مطح بود؛ قبل از عرفی با اتفاق قیدی بهند نزدیک بم فوت شد ۱۲

سنة میر حسین کر بلانی، گویند در سبزواری توطن نمود، مدتها در بهرات بسر کرد و با محمد خان حاکم آنجا

کمال ارتباط داشت ۱۲

سنة حاجی محمد جان از فصیحای زمان است؛ هندوستان آمد و از مقربان درگاه شاه جهان شد

بنصب ملک الشعرائی سرفراز شد؛ شاهنامه که بنام صاحبقران ثانی نوشته تمام ماند ۱۲

سنة حکیم مصطفیٰ، معاصر تقی اودعی است، بهند آمد ۱۲

تخلص	نام	سند و قافیه	وطن	ملک	عهد
قراری ^{له}	حکیم نورالدین محمد	.	گیلان	طبرستان	شاه عباس ماضی الی ایران و جلال الدین اکبر شاه الی هند
قرنی ^{له}	ملاقربی	.	دماوند	خراسان	شاه جهان والی هند
قرنی	ملاقربی	.	گیلان	طبرستان	.
قسمت	ملا محمد قاسم	.	مشهد	خراسان	شاه سلیمان صفوی الی ایران
قسیمی ^{له}	قاسم بیگ افشار	.	.	.	شاه طهماسب صفوی الی ایران
قطران ^{له}	حکیم قطران	۶۲۶۵	تبریز	عراق عجم	سلطان سنجر سلجوقی والی خوارزم
قطب ^{له}	ملا قطب الدین	.	شیراز	فارس	آتابک ابوبکر والی شیراز

له حکیم نورالدین محمد برادر حکیم ابوالفتح گیلانی است، در جودت طبع، تیزی فهم، علوم علمی و کمالات انسانی صاحب کمال بود ۱۲۰۰

له ملاقربی، در شاعری کمال قدرت نهایت مهارت داشت، در تمام در بعد از برهنه آمدن روزگاری در کشمیر گذرانیده همانجا فوت شد، معاصر تقی اودهی است ۱۲

له قاسم بیگ افشار، شاگرد وحشی بافقی است ۱۲

له حکیم قطران، پهلوان عرصه سخنوری است، محمد عوفی اورا تبریزی دانسته، دولت شاه و غیره دیر اترندی نوشته اند، و اشعارش ابهام رودکی خوانده اند، اگر چه در ردش طرز هر دو متحدند، اما ممدوحین ایشان در زمان تفاوت بعید است، گویند حکیم انوری در فن شعر تمییز است، دیوانش هزار بیت میرسد ۱۲

له ملا قطب الدین، از شعرای زمان بوده، معاصر سعدی شیرازی است ۱۲

تخلص	نام	سنه و قبا	وطن	ملک	عهد
قمری	سراج الدین	۳۶۸	قزوین	عراق عجم	سلطان ابوسعید خانی فارس
قوامی	میر قوام الدین	۳۹۵	اصفهان	"	شاه طهماسب باضی الی ایران
قیری	شیخ قیری	.	بغداد	عراق عرب	.
قیدی	ملاقیدی	۳۹۹	شیراز	فارس	جلال الدین اکبر شاه الی هند
قیدی	ملاقیدی	.	کرمان	خراسان	شاه سلیمان صفوی الی ایران
قیصری	ملاقیصری	۱۰۲۲	همدان	عراق عجم	صاحبقران ثانی شاه جهان الی هند
قیلان	قیلان بیگ	.	بخشال	خراسان	نورالدین جهانگیر شاه والی هند

سه سراج الدین مولف تذکره صبح صادق نوشته که گاهی سراج هم تخلص میکرد در اصل مولدش خلاف کرده اند بعضی او را خوارزمی و بعضی جرجانی و بعضی آملی و دیگران قزوینی دانسته اند ۱۲

سه میر قوام الدین بسیار عظیم القدر و بلند مرتبه بود، در زمان دولت شاه اسماعیل صفوی لشکر صدرالسلطنه ۱۲
سه شیخ قیری، از قیرباد کلامش را حکیم غنبریشام جان میرسد، از مشایخ کرام سلسله علییه صوفیه بود ۱۲
سه ملاقیدی، شاعر فاضل و مجموعه کمالات هنرمندی است، با عرفی مجتهدا داشت بحدت اکبر شاه رسید، در هند فوت شد ۱۲

سه ملاقیدی، درویش خصال دپسندیده افعال بود، در اصفهان در مدرسه ملا عبدالقادر سکونت داشت ۱۲

سه ملاقیصری، بسیار خوش صحبت و خوش مزاج بود و هند آمده در گجرات فوت بهما سجا مد فون گردید ۱۲

باب ۹

تخلص	نام	سند و قافا	وطن	ملک	عهد
کاتب ^{۱۱}	یوسف شاه	.	هرات	خراسان	سلطان حسین میرزا و الی هرات
کاتب ^{۱۲}	محمد بن عثمان	.	بلخ	"	سلطان محمود غازی و الی غزنی
کاتبی ^{۱۳}	محمد بن عبدالله	۸۳۹ هـ	نیشاپور	"	امیر تیمور گورکان و الی سمرقند
کاشف	.	.	بخارا	"	.
کاشف ^{۱۴}	آقا اسمعیل بیگ	.	اصفهان	عراق عجم	شاه عباس ماضی و الی ایران
کاشفی ^{۱۵}	ملا حسین اعجاز	۸۳۹ هـ	سبزوار	خراسان	سلطان حسین میرزا و الی خراسان

۱۱ یوسف شاه، از مشایخ طایفه مشهور هرات است؛ با امیر علی شیر معاصر بود ۱۲

۱۲ محمد بن عثمان، معاصر حکیم عنصری بلخی و شاگرد ابوالفضل سمری است ۱۳

۱۳ محمد بن عبدالله، در مداحی امیر تیمور صاحبقران و شاه رخ مرزا و ادب سخنوری داده؛

و فاش در طاعون استرآباد واقع شد، قصه ناظر و منظور را در مثنوی موسوم به مجمع البحرين که

در بحرین و ذوق فیتین است نظم کرده ۱۴

۱۴ آقا اسمعیل بیگ، مثنوی در بحر تخته العراقین دارد ۱۵

۱۵ ملا حسین اعجاز، صوفی کامل و درویش خردپرست بود، در علوم عربیه و

فنون علمیه کمال قدرت و مهارت داشت، اخلاق کریمه، اخلاق محسنی، انوار سهیلی،

لب لباب (خلاصه مثنوی مولانا روم) تفسیر حسینی، و محزون لائشا از تصنیفات شریفه

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
کاشفی	ملاکاشفی	.	بخشال	خراسان	صاحبقران ثانی شاهجهان الی هند
کاشی	آقاسن	۹۹۹ هـ	آمل	طبرستان	شاه طهماسب صفوی والی ایران
کانظم	سید کاظمی	.	تبریز	عراق عجم	سلطان حسین میرزا والی خراسان
کافی	ملاظفرالدین	.	همدان	"	جلال الدین ملکشاه سلجوقی والی ایران
کافی	میرزا کافی	.	اردباد	آذربایجان	شاه عباس ماضی والی ایران
کاکا	ملاکاکا	۹۸۰ هـ	قرزین	عراق عجم	شاه طهماسب ماضی صفوی والی ایران
کامل	قوام الدین عبداللہ	.	شیراز	فارس	.

۱۰ ملاکاشفی، در سنه ۱۰۳۳ هـ وارد هندوستان شد ۱۲

۱۱ سید کاظمی صلحش از تبریزت چون همیشه اوقات در کاشان گذرانید به کاشی مشهور شد ۱۲

۱۳ ملاظفرالدین محمد عوفی توصیف جلالت شان بسیار کرده، در عهد ملک شاه آواز شاعری

او عالم را فرا گرفت ۱۲

۱۴ ملاکاکا، معلوم نیست که لفظ کاکا اسم یا تخلص یا لقب باشد، از شعرای زمان طهماسب،

و اشعارش مقبول نام بود ۱۲

۱۵ قوام الدین عبداللہ، داغستانی گوید که تقی اوحدی نوشته که وی پسر استاد علی طبلخ است

که در شیراز بود، بهند آمد و در تمام ملازمت کرد، از علوم بے بهره بود، اما ذہن سلیم و طبع مستقیم

داشت، تقی اوحدی او را دیده است ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عمد
کامل شاه	ملک سعید	.	خلخال	اندرمجان	.
کامی شاه	ملا کامی	.	سبزوار	خراسان	سلطان حسین شیراوالی هرات
کامی	کمال الدین شاه حسین	.	همدان	عراق عجم	"
کامی	ملا کامی	.	لاهیجان	طبرستان	.
کریمی	بهارالدین	.	یزد	عراق عجم	.
کریمی	بهارالدین عبدالکریم	.	سمرقند	خراسان	ملک شمس الدین کرت الی هرات
کسانی	حکیم محمدالدین ابوالفتح	.	مرو	"	سلطان محمود غزنوی الی غزنی
کسری	محمد قاسم	.	کاشان	عراق عجم	.
کسونی	علا کسونی	.	یزد	"	.

شاه ملک سعید از اعظم خلخال است، در شیراز سکونت داشت اوقات خود را بطلوع توفیق و کتب تصوف مصروف میداشت مستجمع جمیع علوم بود ۱۲

شاه ملا کامی، روزی چند در خدمت مولانا جامی علیه الرحمة مشغول تحصیل کمالات بود ۱۲

شاه بهارالدین بیشتر در کاشان بسر می برد ۱۲

شاه حکیم محمدالدین معاصر رودکی بود، حکیم ناصر خسرو زمان او را دریافته است، گویند که عمرش از حد طبیعی در گذشته بود، محمود غزنوی را دریافته و معروض کرده است ۱۲

شاه محمد قاسم، از اولاد اهل شیرازی است ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عهد
کفری ^{۱۱}	میر حسین	۱۰۱۶ ^{هـ}	ترتبت	خراسان	جلال الدین کبیر شاه والی هند
کفشگر ^{۱۲}	ملا کفشگر	.	گاذرون	فارس	.
کلامی	مصلح الدین	.	لار	"	.
کلامی ^{۱۳}	ملا کلامی	.	اصفهان	عراق عجم	سلطان ابراهیم ابن مسعود شاه الی عز
کلاں ^{۱۴}	امیر خواجه کلاں	.	کرمان	خراسان	ظہیر الدین بابر شاه الی هند
کلبی ^{۱۵}	کلبی بیگ و القدر	.	.	.	نور الدین جهانگیر شاه الی هند
کلیم ^{۱۶}	ابوطالب	۱۰۶۱ ^{هـ}	همدان	عراق عجم	"

۱۱- میر حسین از خوش خیالان زمان بود، بعلو فطرت صفائی ذهن نظیر نداشت، در هندوستان مدتها گذرانید، با ملا نوعی خوشانی مصاحب بود ۱۲

۱۲- ملا کفشگر، در شاهراه سنخوری آهینس قدم بود ۱۲

۱۳- ملا کلامی، برادر سلامی ست، تقی اوصدی دیر دیده هست از شعراى زمان خود بود ۱۲

۱۴- امیر خواجه کلاں، از ماوراءالنهر ست، از بیم طمأنینه گرخیته به سنده رفت ۱۲ در عهد بابر شاه حاکم قندهار بود ۱۲

۱۵- کلبی بیگ و القدر، در عهد جهانگیر با اتفاق برادر خود بهند آمد و بهانجا فوت شد ۱۲

۱۶- ابوطالب، در عهد جهانگیری بسیر هند فرامید و به شاه نواز خاں ابن میرزا رستم صفوی مربوط گشت و در خدمت صاحبقران ثانی معزز بوده ملک الشعرا گردید، در کشمیر قالب تپی کرد ۱۲

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
کمال	کمال الدین سمعیل	۶۳۵هـ	اصفهان	عراق عجم	جلال الدین خوارزمشاه الی خوارزم
کمال	کمال الدین مسعود	۶۹۳هـ	نخجند	خراسان	امیر تیمور صاحبقران الی عراق
کمال	کمال الدین زیاد	.	اصفهان	عراق عجم	.
کمال	کمال الدین	.	زنجان	خراسان	جلال الدین خوارزمشاه الی خوارزم
کمال	کمال الدین عبدالرزاق	۷۸۴هـ	هرات	"	سلطان حسین میرزا الی خراسان
کمال	استاد کمال الدین	.	بخارا	"	سلطان سنجر سلجوقی الی خوارزم

۱ کمال الدین سمعیل ملقب بطلاق المعانی، استاد مسلم الثبوت فن و عذوبت لیب گلشن سخن است.

از خاک مردم خیر اصفهان برخاست، مرید قدوة المشایخ شیخ شهاب الدین سهروردی بود، در بارگاه

جلال الدین خوارزمشاه بنصب الای نیک الشعراء سرافرازی داشت ۱۲

۲ کمال الدین مسعود، از اکابر نخجند است، اشعارش در کمال رتبه و عذوبت است، معاصر

خواجه حافظ است، وفاتش در یزد نبلهور رسید ۱۲

۳ کمال الدین زیاد، صاحب مضامین بلند و اشعار دلپذیر است، محمد عوفی در تائیش و می گم کرده ۱۲

۴ کمال الدین، معاصر نصیر الدین طوسی است، و مداح خواجه شمس الدین صاحب یونان، در مدح

خواجه نصیر الدین شعر با گفته است ۱۲

۵ کمال الدین عبدالرزاق، بوفور کمال از جهانیان ممتاز بود، در انشای شعر دست تمام داشت ۱۲

۶ استاد کمال الدین عمیدی، از فصیحای زمان است، در سخنوری مرتبه عالی داشت، معاصر

میر معزی، و حکیم انوری است ۱۲

تخلص	نام	سنة فقا	وطن	ملک	عهد
کمال له	ملک کمال کوته پائی
کمالی شه	.	۱۲۲۰	سنزواری	خراسان	شاه عباس ماضی والی ایران
کمالی	مولانا کمال	.	نیشاپور	"	امیر تمپور والی سمرقند
کوثری شه	میر عقیل	.	همدان	عراق عجم	شاه عباس ماضی والی ایران
کوکب شه	میرزا مهدی	.	مازندران	طبرستان	نادر شاه والی ایران
کوکبی شه	قباد بیگ	.	ماورالنهر	خراسان	جهاگیر شاه والی هند
کیفی شه	ملا کیفی	.	سیستان	"	"

باب گ

گرامی	میر عبدالرحمن	۱۱۲۲	خواف	خراسان	.
-------	---------------	------	------	--------	---

له ملک کمال کوته پائی، در فن سخنوری و بلاغت گستری یدِ طولی داشت، در خدمت

فخر الملک می بود ۱۲

شه کمالی مشهور به فصیح سنزواری است، از شعرای صاحب قدرت زمان شاه عباس است

شاهنامه بهت آن بادشاه در غایت تحفگی و خوبی گفته است ۱۲

شه میر عقیل، صاحب مثنوی فریاد و شیرین است ۱۲

شه میر احمدی از مستعدان و زکات و صاحب کمال است، اشعارش از مثنوی قصاید و رباعی قطعه

شه قباد بیگ، در زمان جهاگیر پند آمده در گوگنده می بود ۱۲

شه ملا کیفی جوان بیو بود از سیستان به سنزواری آمد با سلام مشرف گردید و در آخر پند آمد اشعار خوب در ۱۲

تخلص	نام	سنه وفات	وطن	ملک	عهد
گلکنجی	مولانا گلکنجی	.	قم	عراق عجم	سلطان حسین میرزا والی خراسان
گلشن	شیخ سعد الله	۱۱۲۰	دهلی	هندستان	محمّد شاه والی هند
گیانی	آقا بابا گیانی	.	همدان	عراق عجم	.

بابل

لامع	میرزا نور	.	همدان	عراق عجم	.
لامعی	حکیم لامعی	.	هرجان	طبرستان	سلطان سنجری قوی والی خوارزم
لبیبی	ملا لیبی	.	ادرز	خراسان	امیر نصر ابن احمد سامانی والی بختیاری
لذنی	مهدی علی	.	کشمیر	هندستان	جلال الدین اکبر والی هند

۱۰ مولانا گلکنجی، صاحب اشعار بلند و افکار ارجمند است؛ همیشه زاده شهیدی قمی و ازندگانی

خاص سلطان حسین مرزا بود ۱۲

۱۱ شیخ سعد الله، اشعار بسیار گفته است؛ کلیاتش قریب بصد هزار بیت است ۱۲

۱۳ میرزا نور، خلف قاضی نصیر الدین بهمانی است؛ در حدود صدی دوازدهم بوده است؛

با امرای عصر مصاحبت داشت ۱۲

۱۴ حکیم لامعی، از اعظم شعرا و اکابر بلخ است؛ بابر بهانی، و ابوالفضل، و فخر گزینی، و عمیق بخاری

و سوزنی سمرقندی معاصر بود، شاگرد امام حجة الاسلام غزالی است ۱۲

۱۵ ملا لیبی، معاصر رودکی بخاری است؛ وطنش محقق نشد که ارد مرزی است یا مروزی ۱۲

۱۶ مهدی علی، در آگره می بود، نسبت استادی به شیخ فیضی داشت ۱۲

تخلص	نام	سنة وفات	وطن	ملک	عهد
لسانی ^{۱۰}	ملا عبد العزیز	۹۳۱ھ	شیراز	فارس	شاه طهماسب ماضی و الی ایران
لسانی ^{۱۱}	ملا سانی	.	کاشان	عراق عجم	.
لطف ^{۱۲}	مولانا لطف الله	۸۱۰ھ	نیشاپور	خراسان	امیر تیمور گورکان و الی سمرقند
لطفی ^{۱۳}	ملا لطفی منجم	.	تبریز	عراق عجم	"
لطیفی ^{۱۴}	ملا لطیفی	.	مشهد	خراسان	.
لولوی ^{۱۵}	حکیم لولوی	.	"	"	سلطان ابراهیم ابن مسعود و الی غزنی

۱۰ ملا عبد العزیز، مداح امیر نجم وزیر شاه بهمنعل صفوی بود، شریف تبریزی از شاگردان اوست، دیوان قریب بدوازده هزار بیت دارد ۱۲

۱۱ قبل از لسانی شیرازی بوده است ۱۲

۱۲ مولانا لطف الله ساکنی است آگاه، بایه نعمت الله کرمانی ارادت داشت، و با شیخ آذری ملاقات نموده، در مشهد فوت شد ۱۲

۱۳ ملا لطفی منجم، رصد بند صطراب معانی بوده است ۱۲

۱۴ ملا لطیفی، از شعرای لطیف مشهد بود ۱۲

۱۵ حکیم لولوی، لالی نطاش بگی آبدار، و تاج طبعش غیرت گوهر شهوار است، معاصر

مسعود سعد سلمان، و معنی بخاری، و سعدی شیرازی است ۱۲